



ترانه های کردی

کرد آورنده مرحوم مهدی غنیمی

Moderato

Allegro moderato



رتال جامع علوم انسانی

دو مرتبه زلفت بقدت دا که پریشان و بلاوه
 امر و لمن شیفته آلوزه بداهه ؟
 بوچی نگریم صد کرتم دل دشکینی
 می چون نرزی شیشه له صد لاره شکاوه ؟
 هر چند کروتم ، بخدا مایل روتم
 بی برکیه علت که هتیو میلی هتاوه ؛
 هر جا که وجوباری که واسور و سویر بی
 جی جوشش گریانی منو خوینه رژاوه ،
 سوز دل مه باعث تاب و کل گریان ،
 معلومه که آور سبب جوشش آوه ،
 مانی نیبو قوت تصویر بروی تو ،
 ام قوسه بدست متنفس نکشاوه ؛
 نالی و کوزلفت که مطیع بری پیته ،
 تیکی مرژینه بجفا میخره لاره .

ترجمه

زلفت باندازه قدت پریشان شده . امروز از من شیفته چه رنجشی دیدی که نامهربانی؟
 برای چه نگریم صد مرتبه دلم را میشکنی ، می چطور نریزد که شبیه از صد سوشکسته شده ؟
 هرچند که برهنه هستم ، بخدا مایل رویت هستم ، بعزت برهنگی یتیم میل بافتاب دارد .
 هر جایگه و جوویاری که سرخ باشد ، جای جوشش گریه منست و خون من ریخته شده
 سوز دل من باعث تاب و جوشش و سوزش است ، معلوم است که آتش سبب جوشش آب است ؛
 مانی (۱) قدرت تصویر ابروی ترا نداشت ، این کمان ابروی تو بدست جاندار کشیده نشده است ؛
 نالی ۲ مانند زلفت که پیش یایت مطیع است ، قلبش را برهم مزن ، بجفا او را از نظر مینداز .

(۱) نقاش معروف (۲) نام گوینده شعر

Allegro moderato



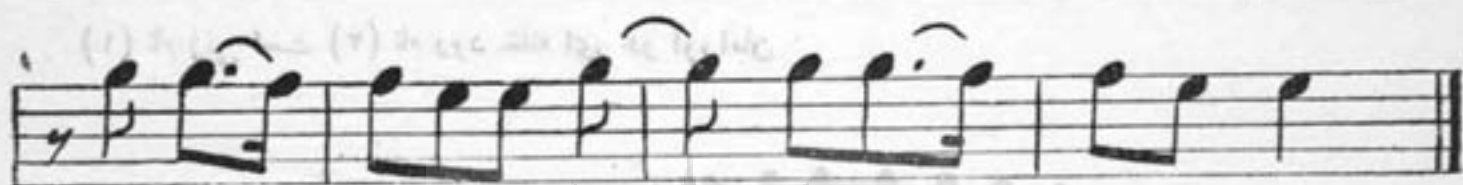
آرکسی هاتو ولی من عاشقم برو امکه ، ترا بسیر گونای نشانی زخم یاران کز نبی ،
 منکه سوتانم ندیوه منع کریانم مکه ، عاشق رونم ، بقربان تیر بارانم مکه ؛
 هر و کو بلبل لبانمت من شب و روز نالمه ، خاک بر در کانکی تو مسکن صد سالمه ؛
 چاو کم امروزه گلشن گل بعشوه خوی نوان ، قدتمک کیر بوم بچاوی تو قسم هیچ نم دوان ،
 هر و کو خادم لقالی مز کست بر مالکت ، دست و پا زنجیر کراوم بودو دیده کالکت ،
 ایخدا چیکم جدستم در دلی در مانعه ، کر علاجم نا کری قابض یقین مهمانمه .

ترجمه

هر که آمد گفت ، « من عاشقم » باور مکن ، ترا اینکه سر گونه هایش زخم نباشد .

منکه سلطان را ندیدم از گریه منعم مکنید ،
 عاشق رویت هستم ، بقریانت ، تیر بارانم مکن .
 مانند بلبل در باغت شب و روز مینالم ،
 بچشمهای تو قسم هیچ او را از خودم نرنجانیدم ،
 مانند کدخدا در منزل شما در بانی میکنم
 دست و پایم زنجیر شده ، بآن چشهای کم رنگت قسم .
 ای خدا چه کنم از دست این درد ییدرمان ؟
 اگر علاجم را نکنید یقین عزرائیل مهمان منست .

Andante



های های ، میم کورجی ، دل توریبا که کم ، آی دل توریبا که کم ،
 به آوی زمزم زلف شوریا که کم ، آی زلف شوریا که کم ،
 بالا کد برزه میه لادیوار ، آی میه لادیوار ،
 دل هر بکه که میه ، و هزار ، آی میه و هزار ،
 های های میم کورجی ، خیالی نکلی ، آی خیالی نکلی ،
 او بینه بستان ، بطلالی نکلی ، آی بطلالی نکلی ؛
 عالمان بر مبر ، چخمان جیائی آن چخمان جیائی ،
 کافر نخفه ، شو و تنیائی آی شو و تنیائی ،
 باوانت شوه ، نه منه کست ، آی نه منه کست ،
 کوانه شما مه خوم دامه دست ، آی خوم دامه دست ؛
 خوابی نویسه ، قلم بیکا کار ، آی قلم بیکا کار ،
 ژن بوریش چرمک ، کچ بو هرزه کار ، آی کچ بو هرزه کار .

ترجمه

| | |
|--|--|
| به آب زمزمه (۲) زلفت را شست و شو داده‌ای ، | های های میم کرجی (۱) من از تو دلخورم ، |
| یک دوست بهتر است از هزار دوست ، | قد بلندت را موزن بسدیسوار ، |
| آن ییمانی که با هم بسته ایم قطع نکنی ، | های های میم کرجی ، خیال نکنی ، |
| کافر نخواهد شب را به تنهایی ، | منزلان رو برو است ولی پشه بندمان جداست ، |
| بس چه شد آن دستنبو که خودم بدستت دادم ؟ | خاندانت بهم بخورد و کسی از تو باقی نماند ، |
| زن برای ریش سفید ؛ دختر برای جوان . | خدا رحمی بکند و قلم هم یاری بکند ؛ |

(۱) نام زنی است (۲) نام رود خانه ای در اورامان

